

## فرآیند تحولات نظامی ایران عصر فتحعلی‌شاه با تأکید بر اصلاحات نظامی عباس میرزا و پیامدهای آن

هاشم ملک‌شاهی<sup>1</sup>، سیده مرضیه حسینی<sup>2</sup>

تاریخ دریافت: 1395/11/19  
تاریخ پذیرش: 1395/11/18

از صفحه 109 تا 134

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ نظامی  
سال سوم، شماره یازدهم، زمستان 1395

### چکیده

ایران عصر قاجاری در ابتدای قرن 19 م. / 13 ق. در حالی مورد تجاوز روس‌ها واقع شد که بی‌خبر و عقب مانده از تحولات دنیا، با مشکلات عدیده‌ای در داخل کشور مواجه بود. ساختار و سازمان نیروهای نظامی ایران در این زمان کاملاً سنتی و بازمانده‌ی ارتش دوران نادری بود. شکست ایران در جنگ با روسیه نخستین عاملی بود که عباس میرزا و وزیرش قائم‌مقام را به واقعیت انحطاط ایران، واقف ساخت و سبب شد تا عباس میرزا برای نجات و خارج شدن ایران از انحطاط و هدایت آن به‌سوی ترقی و توسعه به سبک کشورهای اروپایی دست به اصلاحات زند. محور این اصلاحات، نوسازی قشون و ایده‌ی ایجاد سپاه منظم به سبک غربی بود که با مشاوره و آموزش مستشاران اروپایی صورت پذیرفت. این نوشتار با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای بر آن است که در وهله اول ضمن بررسی سازمان و ساختار نظامی ایران در دوره فتحعلی‌شاه، به این سؤال اساسی پاسخ دهد که اصلاحات نظامی عباس میرزا در چه شرایطی و بر چه بستری انجام شد و در ادامه پیامدها و نتیجه این اصلاحات نظامی را مورد پرسش و واکاوی قرار دهد. یافته‌های پژوهش بر آن است، ساختار نظامی، شرایط داخلی و خارجی ایران عصر قاجار و لزوم تشکیل ارتش مدرن برای مقابله با تجاوزات دول بیگانه، دلیل رویکرد نوگرایانه عباس میرزا به تحول ساختار نظامی ایران بوده است. مقاله با تحلیل دلایل ناکامی عباس میرزا، موانع اساسی شکست اصلاحات را توضیح می‌دهد.

### کلید واژه‌ها

فتحعلی‌شاه، عباس میرزا، جنگ‌های ایران و روسیه، اصلاحات نظامی، مستشاران نظامی.

1- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان. H.ma63.r@gmail.com

2- دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی مرکز تحصیلات تکمیلی پیام نور تهران

## مقدمه

جنگ، همواره از حوادث تأثیرگذار در تحولات جوامع بشری بوده است. از این رو، نیروهای سازمانی و غیرسازمانی دخیل در آن نیز همواره از اهمیتی بی‌بدیل در جهت‌بخشی به تحولات برخوردار بوده‌اند. ارتش در اروپای قرن هیجدهم و نوزدهم سازمانی مدرن و دارای دیسپلین نوین نظامی بود. این نهاد منسجم اجتماعی نسبت به سایر نهادها و ساختارهای موجود در یک جامعه تفاوت‌های فراوانی داشت. نخستین تمایز ارتش و نظامیان با سایر نهادها، وابسته به کارکردی است که ارتش در حفظ استقلال، امنیت و تمامیت ارضی یک کشور و گاه توانایی و استعداد حمله به کشورهای همسایه و فتح سرزمین‌های جدید دارد. علاوه بر آن در مواقع بحران‌ها، بی‌ثباتی و ناامنی‌های تنش‌آفرین داخلی، ارتش به‌مثابه یک نیروی ملی از تأثیرگذاری خاصی برخوردار است. در غرب و برخلاف ایران دوره قاجار، ارتش یک نهاد ملی است که به‌دوراز هرگونه گرایش‌های قومی، مذهبی و ایدئولوژیکی به دنبال تحقق اهداف تعریف شده در قانون اساسی کشورها ایفای نقش می‌کند. بدیهی است که این نهاد در صورتی که متعهد به باورهای ملی و الزامات کشوری باشد به‌عنوان یک نهاد منظم و منضبط، علاوه بر عملکرد فوق، به پیمان‌های وسیعی قادر به ایجاد تغییرات و دگرگونی‌های بنیادین در جوامع می‌شد.

در اوایل قرن 19 م. هم‌زمان با روی کار آمدن حکومت قاجاریه، کشورهای اروپایی در زمینه‌های مختلف نظامی به درجه‌ای از پیشرفت نائل آمده و دارای فناوری نظامی مدرن بودند. این در حالی بود که ساختار نظامی ایران در دوره قاجار، به‌ویژه در نیمه‌ی نخست آن در مرحله بسیار ابتدایی قرار داشت و هنوز فناوری و دانش نظامی جدید به آن راه نیافته بود. ارتش ایران در زمان آقامحمدخان قاجار بازمانده ارتش دوران نادری بود و سازمان و جنگ‌افزار آن‌ها در برابر دگرگونی‌هایی که در امور و سازمان‌های ارتشی در اروپای سده هیجدهم پیش آمده بود، بسیار کهن و ناکارآمد می‌نمود (ذکاء، 1350: 235). ایران در دوره فتحعلی‌شاه با همین ارتش سنتی درگیر جنگ با روس‌ها شد. روسیه که در زمینه‌های مختلف نظامی از فناوری مدرن و پیشرفته نظامی برخوردار بود، در نبرد با ارتش سنتی ایران پیروز میدان بود و حاصل جنگ برای ایران شکست و آغاز اصلاحات نظامی در راستای بنای نظام جدید، توسط فرمانده کل قوای شکست خورده یعنی عباس میرزا بود.

سفرنامه‌های اروپاییان در ایران دوره قاجار مانند اوژون فلاندن و گاسپار دروویل به صورت اجمالی به اوضاع قشون ایران و تحولات شکل گرفته در دوره فتحعلیشاه اشاره کرده‌اند. ژنرال گاردان فرانسوی نماینده ناپلئون در ایران در کتاب «مأموریت ژنرال گاردان در ایران» اوضاع رقت‌انگیز سپاهیان سنتی ایران را به تصویر کشیده و از اقدامات فرانسوی‌ها در این دوره سخن می‌راند. می‌توان گفت جهانگیر قائم‌مقامی، نخستین نویسنده‌ای است که به طور جامع در کتاب «تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران از آغاز قرن یازدهم هجری تا سال 1301 هجری شمسی»، به سیر تحولات نظامی ایران در دوره قاجار پرداخته است و در بخشی از کتاب خود به سیر نوسازی ارتش در دوره عباس میرزا می‌پردازد. ناصر تکمیل همایون در جلد اول کتاب خود تحت عنوان «تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران»، به شکل گرفتن نیروهای نظامی ایران در دوره آقامحمدخان قاجار پرداخت و جلد دوم کتاب وی که طبیعتاً می‌بایست به تحولات ارتش در دوره فتحعلیشاه می‌پرداخت، هرگز چاپ نشد. اهمیت نوشتار حاضر آن است که با بررسی ساختار نظامی ایران در عصر قاجار و تأثیر این ساختار بر یکی از مهم‌ترین برش‌های تاریخ ایران یعنی جنگ‌های ایران و روس، مسئله امنیت، استقلال و حفظ تمامیت ارضی ایران را در پیوند با اهمیت کارآمدی و قدرت نیروهای نظامی واکاوی می‌کند. شکست‌های ایران از روسیه که منجر به تحمیل عهدنامه‌های ننگین و از دست رفتن مناطق مهمی از ایران شد، ضمن برهم زدن ترکیب جمعیتی ایران به دلیل فراهم آوردن زمینه‌های نفوذ روسیه در ایران، امنیت مردم این سرزمین را به مخاطره انداخت. عباس میرزا در کنار سایر نواندیشان این عصر، اصلاح ساختار نظامی و نوسازی ارتش را، راه حل حفظ امنیت و جلوگیری از تجاوزات بیگانگان دانست. بخش‌های مختلف این نوشتار به بررسی این روند نوگرایانه و فرجام آن اختصاص دارد.

### 1. ساختار اجتماعی قشون نظامی ایران در آغاز سده‌ی سیزدهم قمری

در تاریخ ایران ساختار قبیله‌ای و به تبع آن نقش ایلات و عشایر در نوع ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی، بسیار تأثیرگذار و بنیادین بوده است. در این زمان، نقش ساختار ایللیاتی در سازمان‌دهی نیروهای نظامی، دفع حملات نیروهای خارجی، تأسیس سلسله‌ها و ارائه شیوه‌های نبرد و دفاع، قابل توجه است. ساختار و سازمان ارتش اوایل دوره

قاجار، آمیخته‌ای از قدرت نظامی ایل‌ها و عشایر سراسر کشور بود. این قشون، نظم، نهاد، ابزار و روش‌های جنگی ویژه خود را داشت و افراد متشکل در آن، از قرن‌ها پیش، به صورت تجربی با آن‌ها آشنایی یافته بودند (تکمیل همایون، 1376: 130). قشون سنتی ایران غالباً در برابر نیروهای برون‌مرزی قرار می‌گرفت و بر اثر ارتباط با آن‌ها در معرض تغییراتی قرار می‌گرفت که پذیرش آن‌ها به تحولی هرچند اندک، در سازمان وظایف و فنون نظامی - دفاعی کشور می‌انجامید. به همین دلیل، بدنه قشون ایران در نیمه نخست حکمرانی قاجارها از جهاتی ساختار اجتماعی خود را حفظ کرد و از سوی دیگر نیروی انسانی تازه‌ای را در خود راه داد. از لحاظ تشکیلاتی نیز، سازمان آن، گاه بر پایه رده‌بندی سنتی استوار بود و گاه تأثیرات تشکیلات نظامی جدید را می‌پذیرفت. این نکته درباره سلاح‌ها و البسه نظامی هم صدق می‌کرد، ضمن آنکه به کارگیری تجهیزات جنگی سنتی همواره رایج بود، جنگ‌افزارهای جدید و از جمله سلاح‌های آتشین هم بکار گرفته می‌شد. شخصیت فردی، اجتماعی و جایگاه نظامی سرکردگان قشون از یک‌سو و ساختار حاکمیت و شخص پادشاه از سوی دیگر در تعیین خطمشی کلی قشون، تشکیلات و تجهیزات آن تأثیر داشت. چنان‌که آقامحمدخان در امر ایجاد بنای ساختار سنتی قوای نظامی سلسله قاجار و عباس میرزا در امر ایجاد «سپاه منظم» به شیوه غربی، هر یک به گونه‌ای موجب تحولات و دگرگونی‌هایی در قشون سده 13 ه.ق ایران شدند.

## 2. تشریح ساختار و سازمان سنتی نیروهای مسلح در دوره فتحعلی‌شاه

سرکرده ایل قاجار، آقامحمدخان پس از فرار از شیراز به مازندران، نخست به سوی ذخیره‌های همیشگی افراد مسلح، یعنی عشایر دست دراز کرد و قبیله‌های پراکنده از اقوام مختلف را با خود همراه ساخت؛ سپس به ایلی که خود از آن برخاسته بود و عشایر دیگر روی آورد و همچنین جنگجویان پراکنده مزدبگیر را به خدمت درآورد و از آنان دسته‌های تفنگچی تشکیل داد. به نظر می‌رسد که همین عناصر، ثابت‌ترین عنصر ارتش آقامحمدخان و جانشین او را تشکیل می‌داد (تکمیل همایون، 1376: 111-110). در اوایل تأسیس سلسله قاجار سپاه ایران عبارت بود از یک‌صد و هشتاد هزار نفر چریک که به‌طور داوطلب به کار گرفته می‌شدند. این تعداد متحدالشکل نبوده و به‌طور کلی از دو قسمت تشکیل می‌شدند: 1- سپاهیان پایتخت یا «پارکابی» 2- سپاهیان ولایتی یا

«ساخلو ولایتی». دسته اول بالغ بر هفتادوپنج هزار نفر بودند که افراد آن در برابر خدمت سربازی مزد دریافت می‌کردند. این دسته همه‌وقت در پایتخت و در رکاب شاه خدمت می‌کردند. دسته دوم متشکل از یک‌صد و پنج الی یک‌صد و ده هزار نفر بودند که به هزینه‌ی شاهزادگان، حکام و صاحبان تیول اداره می‌شدند. این افراد حافظ شهرها و مرزهای کشور بودند (قائم‌مقامی، 1326: 15). قشون سنتی قاجار محدود به دسته‌های سواره، پیاده، نیروهای چریک، توپخانه و زنبورک‌خانه می‌شد.

## 1-2. سواره‌نظام نامنظم

دسته‌های سواره‌نظام از میان افراد ایلات صحرائشین جمع‌آوری می‌شد. این دسته‌ها مرکب از واحدهایی بودند که هرکدام از یک رئیس ایل اطاعت می‌کردند (ورهرام، 1367: 104). به هنگام نبرد، شاه به تمام ولایات فرمانی مبنی بر جمع‌آوری نیروها می‌فرستاد و هر منطقه نسبت به استعداد و وضعیت خود سوارانی مسلح به دربار روانه می‌کرد (فلاندن، 2536: 153). سواران تحت رهبری رؤسای خود قدم در میدان جنگ می‌گذاشتند و جز او، از کسی اطاعت نمی‌کردند (مقتدر، 1319-1318: 240). تعداد سواره‌نظام 144.000 نفر بود. (گاردان، 1362، 72). سواره‌نظام در قشون سنتی دارای اهمیت زیادی بود و تعداد افراد آن همیشه سه یا چهار برابر افراد پیاده‌نظام بود (دروویل، 1365: 259). آن‌ها تابع هیچ‌گونه نظم و ترتیب خاصی نبودند. به هنگام نبرد، چهارنعل و بدون هیچ ترتیبی به سمت دشمن حمله می‌بردند، اگر دشمن متزلزل می‌شد ایستادگی می‌کردند، در غیر این صورت با بی‌نظمی تمام، عقب می‌نشستند (گاردان، 1362: 72). تاکتیک و شیوه جنگی سواره‌نظام برگرفته از روشی بود که پارت‌ها در دوران باستان به گونه جنگ‌وگریز به کار می‌بردند. کلیه سواران عشایر به خرج خود مسلح می‌شدند. اسب، تجهیزات جنگی و سایر هزینه‌های مرتبط با سوار، با سران ایل بود که او نیز این وجه را از اهالی ایل‌نشین وصول می‌کرد (قوزانلو، 1315: 694). آنان به اشکال مختلفی مسلح می‌شدند و هر کس به‌دلخواه خود، سلاح موردعلاقه خویش را انتخاب می‌کرد. سواره‌نظام سنتی ایران شامل بر چند گروه بود: 1- زره دارهای چریک یا قزلباش‌ها 2- سواره‌نظام غلام شاه یا گارد سلطنتی (این گروه بهترین سواره‌نظام ایران بودند). 3- غلام‌های تفنگچی (این گروه شباهت زیادی به سواران غلام شاه داشته و از دیگر گروه‌ها کارآمدتر بودند). 4- سواره‌نظام ولایات یا آتلی (سواره‌نظام بومی یا نامنظم).

تقریباً تمام قشون ایران را، این افواج تشکیل می‌دادند. در وصف سواره‌نظام ایران می‌توان گفت، تنها نقطه قوت ارتش سنتی ایران، همین سواره‌نظام بود (وره‌رام، 1367: 105؛ دروویل، 1365: 260-261؛ باقری کبورق، 1371: 77-88).

## 2-2. پیاده‌نظام نامنظم

در قشون سنتی، پیاده‌نظام کمتر به کار گرفته می‌شد و ارزش کمتری نسبت به سواره‌نظام داشت. تعداد افراد پیاده‌نظام ایران 60.000 نفر بود. اسلحه این افراد بسیار سنگین بوده و معمولاً از تفنگ‌های فتیله‌ای استفاده می‌کردند (گاردان، 1363: 71). آن‌ها به روش دسته‌جمعی و نامنظم با سروصداهای گوش‌خراش به دشمن هجوم می‌بردند، سپس از فاصله‌های بسیار دور به دشمن تیراندازی می‌کردند و از جنگ تن‌به‌تن دوری می‌جستند (دروویل، 1365: 266). در قشون سنتی به‌ندرت از پیاده‌نظام استفاده می‌شد و به همین خاطر هم کیفیت پیاده‌نظام ایران به مراتب پایین‌تر از سواره‌نظام بود. معمولاً پیاده‌نظام به هنگام محاصره شهرها یا قلاع نظامی بکار گرفته می‌شد.

## 2-3. نیروهای چریک

تقریباً تمام افراد سالم کشور ممکن بود وارد دسته‌های چریک شوند. نیروی چریک در هر ناحیه یا از افراد کوه‌نشین و یا از اهالی شهرها و دهات تشکیل می‌شد. نگهداری افراد چریک به عهده ایالت، شهر یا دهکده‌ای بود که توسط این دسته‌ها دفاع و حمایت می‌شد (وره‌رام، 1367: 106). قسمت عمده ارتش سنتی از سواران چریک تشکیل می‌شد (مقتدر، 1319-1318: 240). قوای چریک بیشتر به یک بسیج عمومی شباهت داشت که شاهزاده یا شاه آن‌ها را زیر پرچم خود فرامی‌خواند (دوسرسی، 1362: 108). نیروی چریک با آن‌که سابقه قدیمی داشت، اما توسط حاج ابراهیم کلانتر و در قشون آقامحمدخان به کار گرفته شد (تکمیل همایون، 1376: 111). آن‌ها لوازم موردنیاز خود را شخصاً تأمین می‌کردند و دستمزدشان از طریق غارت و چپاول مردم تأمین می‌شد (دوسرسی، 1362: 108).

## 2-4. توپخانه و زنبورک‌خانه

توپ‌های این دوره بسیار قدیمی و ناکارآمد بودند. این توپ‌ها یا به زمان شاه‌عباس برمی‌گشت که ایرانیان از پرتغالی‌ها گرفتند یا توپ‌های دوره‌ی نادری بودند. به‌هرحال

اوضاع توپخانه ایران مساعد نبود. «توپخانه را به گاو می‌بندند و برای این صنف ماهرترین افراد را در اختیار می‌نمایند» (گاردان، 1362: 72). فابویه در گزارش‌های خود در خصوص اوضاع توپخانه ایران در دوره اول جنگ ایران و روس می‌نویسد: «توپخانه ایران اصلاح‌ناپذیر است، بلکه باید از نو آن را درست کرد» (نفیسی، 1335: 210). تعداد نفرات توپخانه با توپچیان گارد و پادگان‌های مختلف از 840 نفر تجاوز نمی‌کرد و هیچ‌کدام تعلیمات واقعی توپخانه را ندیده بودند (مقتدر، 1319-1318: 243). فرسودگی توپ‌ها، ناموزون بودن گلوله‌ها، نداشتن تجربه و آموزش لازم برای توپچیان، وزن زیاد و درنهایت حمل و نقل سخت توپ‌ها در مناطق صعب‌العبور سبب می‌شد تا توپخانه ایران در این دوره به‌مانند دوره‌های قبل کار آبی لازم را نداشته باشد. علاوه بر توپ، قشون سنتی از یک نوع توپ کوچک به نام زنبورک بهره می‌برد. زنبورک لوله بسیار کوتاه داشت و خوراک آن گلوله‌های 250 گرمی بود. زنبورک را به پشت شتر یا استر بار می‌کردند. به همان اندازه که اثر گلوله زنبورک قطعی نبود، تیررس آن‌هم کم بود (نفیسی، 1335: 211). تعداد افراد زنبورک‌خانه‌ها 1.500 نفر بود (مقتدر، 1319-1318: 243).

### 3. مشکلات و کاستی‌های قشون سنتی

فقدان نیروی دریایی در ساختار سنتی قشون قاجار ضعفی تأثیرگذار بود. جهانگیر قائم‌مقامی، نیروی دریایی ایران را در اوایل دوره قاجار با یک کلمه توصیف می‌کند و آن را «هیچ» می‌پندارد (قائم‌مقامی، 1326: 15). از دیگر ضعف‌های قشون سنتی قاجار، عدم اطلاع از مهندسی جنگ و فنون نظامی بود. آنان از فنون جدید سنگربندی و استحکامات نظامی به کلی بی‌خبر بودند (مقتدر، 1319-1318: 245). هیچ‌گونه نقشه جغرافیایی در ایران وجود نداشت و فرماندهان نظامی تاکنون نقشه‌های جغرافیایی ایران را ندیده و از ارزش و اهمیت این موضوع بی‌اطلاع بودند. (دروویل، 1365: 252-253) هنگام جنگ هر قسمت بنا به دستور و دلخواه فرمانده خود می‌جنگید، بدون اینکه متوجه مقصد و هدف اصلی عملیات باشد. لباس متحدالشکل در قشون سنتی رایج نبود (مقتدر، 1319-1318: 244-245). هیچ‌گونه قاعده و نظام‌نامه ثابتی در خصوص روش سربازگیری وجود نداشت. درجه‌ها و قسمت‌های نظامی در این دوره، همان درجه‌ها و

اصطلاحات دوره صفویه بود. درزمینه ترفیع درجه‌های نظامیان هیچ‌گونه قانون و نظم خاصی وجود نداشت و درجه برحسب تمایل شخصی داده می‌شد (فلاندن، 2536: 153). قشون سنتی فاقد پزشک و بیمارستان‌های نظامی بود و دلاک‌ها و سلمانی‌ها جای جراحان و پزشکان را پرکرده بودند. اداره کارپردازی وجود نداشت و انبارها و ذخایر جنگی در میان نبود (گاردان، 1362، 74).

عباس‌میرزا به تدریج در طول ده سال جنگ با روس‌ها و آگاه شدن از ضعف و عقب‌ماندگی قوه‌ی نظامی کشور دریافت که باوجود ارتش سنتی و فاقد توان نظامی لازم نمی‌توان در برابر حملات سپاهیان خارجی دفاع مؤثری انجام داد. بنابراین، برای بهره‌مند شدن از استعداد و توان واقعی نیروهای نظامی بومی برای مقابله و دفاع از مرزهای کشور در برابر ارتش‌های مدرن همچون روسیه تزاری، تحولی عظیم در زیرساخت‌های نظامی کشور الزامی است.

#### 4. اصلاحات و اقتدار نظامی اساس پیشرفت و قدرت کشور

آرنولد توین‌بی، در بحثش پیرامون «تمدن و تمدن‌ها» معتقد است که اصلاحات از ملزومات تداوم تمدن‌ها است. بعد از او مورخین دیگری همچون جفری باراکلاف و جی. ام. رابرتز به‌گونه‌ای منسجم‌تر نشان دهند که تحولات و شرایط اجتماعی جوامع، ضرورت اصلاحات و رهبران اصلاح‌طلب را پیش می‌آورند (زیباکلام، 1379: 202). در قرن نوزدهم برخی از جوامع و ازجمله ایران به‌طور گسترده و مؤثر متوجه شکاف پدید آمده میان وضعیت خود با کشورهای غربی شدند و درصدد اصلاح وضع موجود برآمدند. اولویت اول اصلاحات در ایران، اصلاح سپاه و روش‌های جنگی آن بود. پرسش‌های اساسی که در این اینجا مطرح می‌شود آن است که به‌طورکلی چرا در ایران عصر فتحعلی‌شاه ضرورت اصلاحات نظامی پیش آمد؟ چرا عباس‌میرزا درصدد اصلاحات نظامی برآمد؟ مشکلات و عوامل پیش‌آمده که انجام تغییرات و تحولات نظامی را اجتناب‌ناپذیر ساخته بود کدامند؟ راهبرد عباس‌میرزا در اصلاحات و نوسازی سازمان نظامی کشور چه بود؟

زمینه اصلی تحولات مهمی که در ایران عصر قاجار به وقوع پیوست، آشنایی ایرانیان با غرب بود. در ایران قرن 19 م؛ و زمانه عباس‌میرزا غرب منبع الهام برای تغییر،



الگو برداری و دنباله‌روی به شمار می‌آمد. ارتباط میان ایران و غرب در شرایطی اتفاق افتاد که غرب مجهز، پیشرفته، نیرومند و مسلح بود و در سوی دیگر ایران درمانده، عقب‌افتاده، ناآگاه و ضعیف. نخستین سطح از تأثیرات آشنایی با غرب در دوره قاجار عبارت بود از نمایش ضعف‌ها و عقب‌ماندگی‌های عمیق جامعه ایران. این پدیده به دنبال نخستین دوره جنگ‌های ایران و روس در دهه نخست قرن نوزدهم اتفاق افتاد. یک دهه جنگ با امپراتوری نیمه اروپایی روسیه به یک‌باره مجموعه بیش از دو قرن پیشرفت و ترقی اروپا پس از رنسانس و انقلاب صنعتی را به‌گونه‌ای عریان و آشکارا در مقابل چندین قرن رکود و عقب‌ماندگی ایرانیان قرار داد. جنگ با روسیه و پیامدهای زبان‌بار آن، از جمله از دست رفتن بخش‌های وسیعی از شمال ایران به دلیل نبود رشادت، مقاومت و دلاوری سربازان ایرانی در مقایسه با روس‌ها نبود؛ بلکه مهم‌ترین دلیل شکست ایرانیان آن بود که فداکاری و از خودگذشتگی آن‌ها به‌تنهایی نمی‌توانست پاسخ مناسبی برای توپخانه جدید و تفنگ‌های دورزن و دقیق سواره‌نظام روسیه باشد. تهور و غیرت طایفگی و عشایری قوای ایران، قادر به مقابله با انسجام و سلسله‌مراتب فرماندهی ارتش بالنسبه مدرن روسیه نبود. در این میان، فرماندهان ایرانی، بالأخص عباس‌میرزا، دریافتند که سبک جنگیدن تغییر یافته و مقولاتی همچون طرح، نقشه، استراتژی، لجستیک، توپخانه متحرک، یونیفرم، پشتیبانی و ... سازمان نظامی مدرن از الزامات جنگیدن به شیوه مدرن است (قراگزلو، 1386: 22-23). جنگ‌های جدید، سلسله‌مراتب فرماندهی و دانش جدید نظامی می‌طلبید، درحالی‌که تنها نظم و سلسله‌مراتب حاکم بر قوای نظامی ایران، نظم و سلسله‌مراتب «ریش‌سفیدی»، «کدخدا منشی» و «ایلخانی» طایفگی بود. سربازان ارتش ایران پیش از آن‌که تحت امر افسران و مقامات مافوق خود باشند، متأثر از سنت‌ها و مناسبات طایفگی و عشیره‌ای بودند. در اثر جزئی‌ترین اختلاف‌ها، دسته‌جمعی و به‌صورت قبیلگی و عشیره‌ای قهر کرده و دست از جنگ می‌کشیدند. مجموعه این مسائل سبب گردید که عباس‌میرزا به همراه عده‌ای از رجال نواندیش درباری، پس از تحقیق و تفحص در باب علل شکست ایران درصدد اصلاح و نوسازی ارتش با الگوپذیری از ساختار ارتش‌های مدرن غربی برآیند.

نظریه ترقی در پرتو اقتدار نظامی، اندیشه محوری عباس‌میرزا و پاسخ اصلی او را در ایجاد دگرگونی سیاسی و اجتماعی و طریق نجات ملک و ملت از عقب‌ماندگی تشکیل

می‌داد. ملاحظات و مطالعات او درباره اقتدار و تفوق روسیه و تاریخ و شکوفایی این کشور و بنیاد جسارت روس‌ها برای یورش به خاک ایران و عثمانی و طبعاً آگاهی‌های او درباره پیروزی‌های ناپلئون بناپارت و اوضاع پیشرفته اروپا که از راه‌های گوناگون، از جمله نامه‌های ناپلئون به فتحعلی‌شاه، گفتگو با رومیو، ژوبر و دیگر اعضای هیئت ژنرال گاردان، نقشی اساسی در سمت دادن اندیشه عباس‌میرزا به‌سوی این نظریه ایفا می‌کرد (زرگری‌نژاد، 1386: 8). ناپلئون در قالب تعدادی از نامه‌های خویش برای فتحعلی‌شاه، عباس‌میرزا را به‌سوی اندیشه تجدید اقتدار نظامی ایران و تأسی به سلاطین قدرتمند سلف خویش فرامی‌خواند و تأکید می‌کرد که رشد و شکوفایی کشور و تجدید حیات ایران تنها در پرتو ایجاد ارتش تعلیم‌یافته میسر است (اعتضادالدوله، 1363: 97 و 101). از نظر قائم‌مقام و عباس‌میرزا اگرچه با توجه به وضع موجود، خرید محصولات و مصنوعات مدرن نظامی اجتناب‌ناپذیر بود، اما راه رفع نیازهای جدیدالظهور، صرفاً با مشاهده و خریداری تولیدات دول غربی ممکن نبود (منصور بخت، 1385: 214). عباس‌میرزا و هم‌فکرانش تصور می‌کردند که راه‌حل مسئله، در تعلیم و تربیت افراد جامعه و انتقال فنون نظامی و صنایع به داخل کشور است؛ بنابراین تعلیم و تربیت نیروی ماهر و متخصص با کمک مستشاران و معلمان نظامی و تأسیس کارخانه‌های اسلحه‌سازی و توپ‌ریزی برای قطع احتیاج از بیگانه، اساس راهبرد نوسازی از نظر عباس‌میرزا به شمار می‌رفت. وی تحت تأثیر اندیشه ترقی و پیشرفت کشور در پرتو اقتدار نظامی، بر آن شد تا از طریق ایجاد سپاهی نوین و قدرتمند به سبک اروپایی، مانع دست‌اندازی روس‌ها به داخل مرزهای ایران شده و با اتکا به قدرت، سیاست نوسازی نظامی ایران را تحقق بخشد.

### 5. اصلاحات نظامی عباس‌میرزا

گفتمان نوسازی و اصلاحات به فرایند چندوجهی تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اطلاق می‌شد که بنا بود بر اساس تجربه‌ی اروپاییان و با الگوپذیری از مدل توسعه و مدرنیزاسیون غربی، در کشورهای چون ایران با عنوان عامل تغییر و دگرگونی جوامع سنتی به جوامع مدرن عمل کند. این نگاه به توسعه و مدرنیزاسیون، مراحل مختلفی از تاریخ مدرنیته در ایران را متأثر کرد. سنگ بنای اندیشه اصلاحات و کوشش برای

دگرگونی ساخت و بافت نظام سنتی و تبدیل آن به نظام جدید، چنان‌که اشاره رفت، در جریان جنگ‌های دوره اول ایران و روسیه گذاشته شد. اصلاحات ابتدا جنبه نظامی داشت و معمار آن عباس میرزا بود. ولیعهد معتقد بود که مقاومت و غلبه بر ارتش روس تنها به شیوه اروپاییان ممکن است (رایت، 1357: 52). در این زمان، ایران می‌بایست به‌طور جدی درصدد تعلیم و اصلاح ارتش برمی‌آمد. ایران برای مقابله با روس‌ها به یک ارتش مدرن و کارآمد نیاز داشت و برای دست یافتن به چنین ارتشی مجبور بود از کشورهایی که در این زمینه به پیشرفت‌هایی نائل آمده بودند و صاحب فناوری مدرن نظامی بودند، تقاضای کمک کند. از میان کشورهای اروپایی که دارای نیروهای منظم و مجهزی بوده و لشکریان خود را با سلاح‌های آتشین و توپخانه سنگین آراسته بودند، دو کشور فرانسه و انگلیس توجه پادشاه قاجار را به‌سوی خود جلب کردند. علاوه بر این، رقابت شدید میان کشورهای انگلیس و فرانسه برای دستیابی به منافعشان در منطقه، ایران را به کانون توجه این دول تبدیل کرد. از یک‌طرف، انگلیس را به اتحاد و تجهیز و تقویت ارتش ایران واداشت تا از نفوذ روس‌ها و فرانسوی‌ها به‌سوی هند جلوگیری کند. از طرفی دیگر، فرانسوی‌ها را برای اتحاد با ایران و عبور از خاک این کشور برای فتح هندوستان و همچنین تقویت و نوسازی ارتش ایران در راستای حمله به روسیه، با اعزام سفرایی جهت جلب اتحاد با ایران ترغیب کرد. فتحعلی‌شاه از دولت‌های انگلیس و فرانسه انتظار کمک‌های نظامی و اقتصادی داشت، آن‌ها نیز در مقابل خواهان امتیازات سیاسی، اقتصادی و نظامی بودند. لذا به‌تدریج زمینه‌های روابط ایران با کشورهای اروپایی فراهم شد. آنان با اعزام مستشاران نظامی درصدد برآمدند تا ارتش ایران را به سبک اروپایی اصلاح کنند. با آمدن مستشاران نظامی غربی به ایران تحولاتی چند در بخشی از قشون سنتی دوره فتحعلی‌شاه ایجاد شد و ارتش ایران اولین گام را در راستای نوسازی به سبک و سیاق اروپایی برداشت. در این بخش به تغییر و تحولاتی که با هدایت و حمایت عباس میرزا و با کمک صاحب‌منصبان نظامی در قشون سنتی ایران در اوایل دوره قاجار صورت گرفت، می‌پردازیم.

## 6. تشریح ساختار و سازمان «نظام جدید» در دوره فتحعلی شاه

عباس میرزا در ابتدا به کمک فرانسوی‌ها درصدد ایجاد قوای نظامی مدرنی به نام «نظام جدید» برآمد که امروزه آن را به نام ارتش می‌شناسیم. وی به تقلید از اصلاح‌گر وقت امپراتوری عثمانی، سلطان سلیم سوم و مطابق برداشت خود از «نظام جدید» عثمانی به ایجاد آن در آذربایجان دست زد. هسته اصلی این «نظام جدید» از شش هزار نظامی تشکیل می‌شد. این نیروها به توپخانه متحرک و سلاح‌های کاملاً جدید مجهز بودند. مقرری منظمی دریافت می‌کردند، لباس متحدالشکلی داشتند، در پادگان‌ها سکنی می‌گزیدند و در آنجا نیز افسران اروپایی آن‌ها را آموزش می‌دادند. وی برای تأمین و تجهیز این ارتش جدید، کارخانه توپ و تفنگ‌سازی در تبریز ساخت و اداره ترجمه‌ای دایر کرد تا نظامنامه و مقررات مهندسی و نظامی لازم را ترجمه و تدوین کند (براهوئی، 1387: 186-187). وی برای تضمین اقدامات مذکور، اولین دفاتر دائمی نمایندگی ایران را در پاریس و لندن افتتاح کرد و همچنین برای تأمین نیروی این نهاد، نخستین گروه از محصلان ایرانی را به اروپا اعزام کرد تا در برخی رشته‌های کاربردی مانند علوم نظامی، مهندسی، تفنگ‌سازی، پزشکی، چاپ و زبان‌های مدرن آموزش ببینند. به دنبال اصلاحات عباس میرزا رشته‌های مختلف و مجزای جدید پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپخانه و مهندسی ایجاد شد و بخشی از نیروهای نظامی مجهز به جنگ‌افزارهای جدید شدند که به‌طور مختصر به شرح هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

### 6-1. پیاده‌نظام منظم

یکی از تغییر و تحولاتی که در ارتش سنتی ایران رخ داد، تشکیل پیاده‌نظام نوین و منظم به سبک اروپایی بود. عباس میرزا نوسازی سپاه را با مربیان روسی آغاز کرد، اما با شروع جنگ ایران و روس و توقف عملیات نوسازی سپاه، چند سال بعد مطابق معاهده فین‌کن‌اشتاین، مربیان نظام فرانسوی به ریاست ژنرال گاردان، تعلیم و تربیت پیاده‌نظام ایران را بر عهده گرفتند (نفیسی، 1335: 96). نمایندگان ارتش فرانسه در سال 1222 ق. به سرپرستی ژنرال گاردان و تعدادی افسر و سرگروهبان به تهران آمدند و با پشتکار شگرفی آغاز به کار کردند. بعد از ورود هیئت گاردان سروان وردیه<sup>1</sup> افسر پیاده‌نظام

1- Verdier

مسئول آموزش و تربیت پیادگان را بر عهده گرفت. افسران فرانسوی دو لشکر پیاده‌نظام به سبک اروپایی تشکیل دادند، یکی موسوم به لشکر سرباز و دیگری لشکر جانباز بود (مقتدر، 1319-1318: 241). آن‌ها علاوه بر تهران، پادگان‌هایی نیز در آذربایجان و مازندران برای پیاده‌نظام ایجاد کردند. سپاهیان آذربایجانی را «سرباز» و سپاهیان مازندرانی را «جانباز» می‌نامیدند (ذکاء، 1350: 238). پیاده‌نظام «سرباز» شامل دوازده هنگ بود که هر هنگ شامل هزار نفر می‌شد. این گروه عموماً از اهالی آذربایجان و تحت فرمان ولیعهد بودند (بینا، 1348: 77). پیاده‌نظام «جانباز» نیز از دوازده هزار نفر تشکیل می‌شد و عموماً از اهالی مازندران بودند. فرمانده آنان نیز یوسف خان گرجی سپهدار بود (ذکاء، 1350: 238).

افسران فرانسوی تشکیل قشون جدید را ابتدا با تغییر پوشش و اقدام جهت طراحی لباس متحدالشکل برای سربازان آغاز نمودند و لباس‌های یک‌شکل را مرسوم نمودند. لباس طراحی شده شامل نیم‌تنه‌ای خرمایی‌رنگ و تقریباً مانند لباس سربازان فرانسوی بوده و یک ردیف دگمه فلزی سفید از جلو داشته است. شلوارهایی به رنگ آبی و کفش‌های ساقه کوتاه به پا می‌کردند و کلاهشان هم از پوست گوسفند بود (موسوی طبری، 1353: 58). در فصل زمستان به علت سردی هوا، علاوه بر لباس متحدالشکل به هر سربازی نوعی روپوش کوتاه از پارچه پشمی ضخیمی داده می‌شد که سطح خارجی آن از پشم بلندی مانند پشم بز پوشیده شده بود که در اصطلاح آن را «یاپونچی» می‌نامیدند (نجمی، 1366: 126). لباس‌های جدید به وسیله معلمین فرانسوی و با اصرار نایب‌السلطنه در بین سربازان ایرانی متداول گردید. عباس میرزا خود برای جلوگیری از بروز هرگونه مخالفت و برای غلبه کردن بر تعصبات هم‌میهنانش، ابتدا خود لباس متحدالشکل به سبک نظام اروپایی پوشید تا این‌که در میان سربازان این رسم متداول گردد. پیاده‌نظام منظم از دوطبقه متمایز یعنی قدیمی و جدید که به ترتیب به روش فرانسوی و انگلیسی سازمان داده شده بودند، تشکیل یافته بود. پیاده‌نظام قدیمی - تعلیم‌یافته توسط صاحب‌منصبان فرانسوی - از هنگ‌های تبریز، ارومیه، خوی، مراغه، نخجوان، مرند، ایروان، اهر و اردبیل به وجود آمده بود. پیاده‌نظام جدید - تعلیم‌یافته توسط صاحب‌منصبان انگلیسی - نیز از هنگ قشقایی، شاهسون، کنگرلو و ده هنگ پیاده‌نظام شاه تشکیل می‌شد (دروویل، 1365: 275-274). پیاده‌نظام قدیمی را به این

دلیل به روش فرانسوی می‌خواندند که تشکیلات آن را ابتدا افسران فرانسوی بنیاد نهاده بودند و مطابق نظامنامه فرانسه به آن‌ها مشق می‌دادند و اصطلاحات فرماندهی آن‌ها نیز به زبان فرانسه بوده است. پیاده‌نظام به سبک انگلیسی توسط افسران کمپانی هند شرقی تشکیل و نظام‌یافته بود. موجب کلیه هنگ‌هایی که بر پایه نظام انگلیسی تشکیل یافته بود تا زمان صلح به میزان سربازان انگلیسی بود. لباس متحدالشکل آن‌ها از نیم‌تنه‌ای از ماهوت سبز با یقه و سراستین قرمز و دکمه‌های زرد با شلواری گشاد از کتان سفید و پوتین تشکیل می‌شد. کلیه لوازم سربازی از چرم گاومیش و به رنگ سفید بود. بیشتر تفنگ‌ها، پتو و بسیاری اجناس دیگر که برای یک سرباز نیاز بود، انگلیسی و از هند وارد شده بود (همان: 275). در این دوره توجه شایانی به پیاده‌نظام در نظام جدید شد و نیمی از تشکیلات سپاه جدید به پیاده‌نظام اختصاص می‌یافت. سعید نفیسی به نقل از محمدتقی سپهر در این خصوص می‌نویسد: «... با آموزگاری فرستادن ناپلئون ... در ممالک ایران سپاهیان، نظمی جدید برای جدال او روش‌های جنگیدن [نهادند و حکم دادند که یک‌نیمه لشکر به قانون مردم فرنگ، پیاده آهنگ جنگ کنند و بیشتر در کار حرب توپ و تفنگ بکار برند» (نفیسی، 1335: 114).

## 2-6. سواره‌نظام منظم

سواره‌نظام نیز به‌سان پیاده‌نظام مورد تعلیم و آموزش مربیان نظام فرانسوی و انگلیسی قرار گرفت. گاردان برای تعلیم، تربیت و ایجاد تیپ سواره‌نظام منظم مسیو «پنن» را برگزید. سواران عشایر و ایلات که جزء ارتش احتیاط بودند، به‌وسیله این افسر آموزش‌های نظامی را فرا گرفتند (قوزانلو، 1315: 687). عباس نجمی در خصوص سواره‌نظام منظم می‌نویسد: «سواره‌نظام قشون عباس میرزا به سبک فرانسوی سازمان داده شده و بی‌چون‌وچرا می‌تواند با بهترین سواره‌نظام دنیا رقابت کند. افراد آن از میان شجاع‌ترین مردان ایران انتخاب گردیده است و اسب‌های عربی و ترکمنی را که بهترین اسب‌ها برای جنگیدن ساخته شده در اختیار دارند» (نجمی، 1366: 126). سواره‌نظام منظم، از 20 گردان تشکیل شده بود که چهار واحد آن با نیزه و یکی با قرابینه<sup>1</sup> مجهز بود. در هنگام جنگ هر یک از این گردان‌ها می‌بایست هسته مرکزی یک هنگ را

1- کارابین، تفنگ لوله کوتاه: Carabine-1

تشکیل می‌دادند (دروویل، 1365: 274). تجهیزات نظامی سواره‌نظام عبارت بود از: «نیزه‌ای که در انتهای آن نوار کوچکی به رنگ قرمز نصب شده است، یک شمشیر، یک تپانچه و یک تفنگ...» (نجمی، 1366: 127-126). نیزه سواره‌نظام از روی نمونه‌های متداول در اروپا، ساخته شده بود. تعدادی از شمشیرهای مورد استفاده نیز ساخت انگلیس بود که توسط ژنرال مالکم به ولیعهد هدیه داده شده بود. لباس سواران نیزه‌دار از نیم‌تنه‌ای از ماهوت آبی آسمانی بود با یقه و سردست قرمز، لوازم چرمی آنها به رنگ سفید است و مانند کلیه قوای منظم ایران کلاه‌های ملی بلند بر سر می‌گذاشتند (دروویل، 1365: 276). سواره‌نظام منظم برخی از سنت‌های خود را حفظ کردند. آنها «... زین‌و برگ‌های سنتی خود را حفظ کرده‌اند ... و فقط رکاب‌های اروپایی را جانشین رکاب‌های شرقی کرده‌اند ...» (دروویل، 1365: 276).

### 3-6. اصلاح توپخانه

یکی از اهداف عباس میرزا ایجاد تحول در قسمت توپخانه بود که در ابتدا با کمک اعضای هیئت گاردان صورت پذیرفت. ژنرال گاردان، فابویه<sup>1</sup> را مسئول اصلاح توپخانه کرد. «فابویه با گرفتن اختیارات تام از فتحعلیشاه در ژانویه 1808 م. / ذی‌قعدة 1222 ق. متعهد شد، سالی پنجاه عرّاده توپ کامل با همه وسایل و شیبه به همان توپ روسی که از نظر فتحعلیشاه عزیز و مقدس بود تحویل دهد» (احمدی، 1382: 66). او موفق شد که یک کارخانه توپ‌ریزی در اصفهان دایر کند و به ساختن توپ‌های صحرایی بپردازد. اهمیت کار فابویه از آنجا مشخص می‌شود که اوژن فلاندرن هنگامی که می‌خواهد توپخانه‌ی ایران را توصیف کند، توپخانه را از یادبودهای این افسر می‌داند و می‌گوید فابویه بود که توپچیان ماهر را تربیت کرد (فلاندرن، 2536: 149). با تلاش‌های بی‌وقفه فابویه توپخانه ایران سروسامانی گرفت و تعداد بیست عرّاده توپ به سبک نظام اروپایی ساخته شد. میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی در خصوص ایجاد و توسعه توپخانه ایران در زمان نایب‌السلطنه می‌نویسد: «از همت صاحبقران یگانه در دارالخلافه و دارالسلطنه تبریز بنای نظام توپخانه برپا شد و اراده‌های توانا به رسم و قاعده اروپا ساختند ...» (براهوئی، 1387: 181). فابویه بعد از ساخت 20 عرّاده توپ، دستور فرستادن تمام این وسایل را به تهران دریافت نمود. وی پس از 36 روز راهپیمایی با توسل به نیروی گاوی

1- Fabvier

بیش از 300 کیلومتر را پشت سر گذاشته و در 31 دسامبر وارد تهران شد. در تهران از فابویه به سردی استقبال شد، علت آن نیز این بود که در پایتخت ایران باد سیاست به نفع انگلیس تغییر جهت داده بود (سریکس، 1350: 126).

با رفتن هیئت گاردان از ایران، افسران انگلیسی در اصلاح توپخانه دنباله کار افسران فرانسوی را گرفتند. «از جمله رکن اعظم نظام جدید ساختن توپ و مشق توپاندازی اهالی ایران است. حضرت نایب السلطنه توپچیان چابک دست دوزخ شرار از انگلیسی و فرانسه چون مستر لنزی و غیر او تعیین و مقرر فرمود جوانان تنومند دلیر باغیرت و قاعده دان توپچی گرفتند و بنای مشق کردن نهادند. کوره توپریزی و چرخ سوراخ کردن توپ به وضع فرنگ ساخته گردید و از اول تا به اکنون قریب صد قبضه توپ صخره کوب جهان آشوب از کوره بیرون آمده و به سعی استادان ایرانی صورت اتمام یافته است» (دنبلی، 1351: 133). افسران فرانسوی و انگلیسی هر کدام در دوره‌ی خود اقداماتی در جهت توسعه و پیشرفت توپخانه ایران به سبک نظام جدید اروپایی انجام دادند، آن‌ها در این راه به پیشرفت‌هایی هم نائل شدند اما به دلیل نبود امکانات کافی در اختیار صاحب‌منصبان نظامی و همچنین تغییر سیاست و راهبرد دولت‌های انگلیس و فرانسه نسبت به ایران، دامنه‌ی فعالیت مستشاران نظامی در ارتش ایران محدود می‌شد. اقداماتی که در دوره عباس میرزا توسط صاحب‌منصبان نظام اروپایی در زمینه توپخانه انجام شد، اگرچه نتیجه چندان رضایت‌بخش و پیروزمندانه‌ای به دنبال نداشت اما همین‌که اولین گام آشنایی ایرانیان با توپخانه متحرک و مدرن اروپایی رقم زده شد، حائز اهمیت و قابل توجه می‌باشد.

#### 4-6. نوسازی تجهیزات و تسلیحات نظامی

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های سپاه ایران در قشون سنتی که به طرز ملموسی آشکار بود، ضعف تسلیحاتی بود. سلاح‌های گرمی که در میان سپاهیان ایران متداول بود، تفنگ‌های سر پر و یا از نوع شمشال‌های قدیمی بود. ضعف تسلیحاتی ایران در برابر روس‌ها و تفاوت زرادخانه‌های دو کشور آن قدر زیاد بود که برخی نخبگان آن دوره، کل نظام جدید را چیزی جز استعمال توپ و تفنگ نمی‌دانستند (براهوئی، 1387: 179). نظام جدید عباس میرزا نیازمند به تسلیحات و تجهیزات نو بود، لذا در این زمان، دولتمردان قاجاری در قراردادهایی که با کشورهای اروپایی منعقد می‌کردند، همواره بر



قبول کمک‌های نظامی و دادن تسلیحات پیشرفته به ایران از سوی کشورهای مذکور تأکید می‌شد. اقدام دیگر دولت ایران این بود که از مستشاران نظامی انگلیسی و فرانسوی بخواهد تا در زمینه ساخت و تولید اسلحه در ایران اقداماتی به عمل آورند و نسبت به راه‌اندازی کارخانجات اسلحه‌سازی اقدام نمایند؛ بنابراین در این دوره «انتقال دانش فنی تولید سلاح تنها توپ را شامل نمی‌شد نمونه‌سازی از روی تفنگ‌های انگلیسی، ساخت کارخانهٔ باروت‌کوبی در عرصهٔ اسلحه‌سازی و سایر صنایع موردنیاز از قبیل، باسمه‌کاری، ماهوت بافی، یکی پس از دیگری احداث شدند» (منصوربخت، 1385: 215). عباس میرزا بر آن بود تا هم‌زمان از طریق خرید تسلیحات جدید و ساخت تسلیحات در داخل کشور - با بهره‌گیری از فن‌آوری پیشرفته مستشاران نظامی - به نوسازی و تأمین تسلیحات نظام جدید دست زند.

در نظام نوین، تفنگ‌های جدید برای سربازان پیاده و سواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. شاهزاده عباس میرزا ابتدا برای خرید اسلحه به مترنیک صدراعظم اتریش متوسل شد و زمانی که میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی فرستاده ایران به سفارت اروپا رفت، وی را مأمور کرد به کشور اتریش رفته و نمونه‌ای از سلاح‌های جدید آن کشور را به ایران بیاورد. مترنیک نیز نامه‌ای به عباس میرزا نوشته و نمونه‌هایی از سلاح‌های جدید اتریش را برای او فرستاد. سلاح‌هایی که از اتریش به ایران آمده بود به‌هیچ‌وجه با سلاح‌هایی که قشون ایران در دست داشت قابل‌مقایسه نبود و عباس میرزا ناگزیر گردید که عده‌ای از متخصصان فرانسوی و انگلیسی را استخدام کند تا از روی نمونه‌های جدید، سلاح‌های کافی و لازم را برای سپاهیان ایران بسازند (نجمی، 1366: 14)، اما نخستین گام در راه تأمین سلاح‌های جدید به‌طور رسمی در ایران با انعقاد پیمان فین‌کنشتاین برداشته شد و طبق ماده ششم آن مقرر شد که امپراتور فرانسه تعهد کند تفنگ‌ها و سرنیزه‌هایی را که پادشاه ایران لازم دارد، فراهم کند (اقبال آشتیانی، 1355: 199). هرچند شواهدی در دست نیست که فرانسوی‌ها در این زمینه اقدامی کرده باشند. در عوض قراین حاکی از آن است که بیشتر با ورود افسران انگلیسی‌ها به ایران بود که کارخانجات ساخت تفنگ تأسیس و آغاز به کار کرد.

در این دوره، ولیعهد برای انجام امور نظامی ارگ علیشاه را در تبریز به قورخانه تبدیل کرد و یک عده از متخصصان، استادان و کارگران ایرانی در آنجا مشغول ساختن لوازم توپ

و تفنگ گردیدند (تاجبخش، 1382: 796). در این دوره حدود بیست هزار قبضه تفنگ به سعی استادکاران ایرانی به تقلید از تسلیحات انگلیسی ساخته شد (دنبلی، 1351: 133). در همین رابطه علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه می نویسد: «... و دیگر مخترعات آن حضرت ساختن تفنگ به رسم انگلیس و طریق روم و آن مرزوبوم بود» (اعتضادالسلطنه، 1370: 191). به دنبال آن کارخانجات باروت‌سازی نیز ایجاد گردید به طوری که هرکدام از آنها قادر بودند، در روز سه خروار باروت برای سپاهیان عباس میرزا تهیه نمایند (اوسطی، 1382: 96). هیئت سرگور اوزلی در سال 1811 م. به هنگام ورود به ایران «مبلغی وجه نقد و سی هزار قبضه تفنگ انگلیسی و بیست عرّاده توپ و مقداری قورخانه و سی نفر مهندس که همراه داشت تسلیم نمود» (اعتمادالسلطنه، 1367: 861). در سال 1832 م. تعداد زیادی اسلحه، فشنگ و سایر تجهیزات نظامی از طرف دولت انگلیس به ایران ارسال شد (کرزن، 1373: 739). دنیس رایت نیز از خرید اسلحه توسط میرزا صالح در سال 1227 ق. از دولت انگلیس برای ایران گزارش داده است که شامل پانصد قبضه تفنگ سر پر، پانصد قبضه شمشیر، سیصد دست لباس نظامی و چهارده صندوق تفنگ چخماق می‌باشد (رایت، 1368: 739).

#### 5-6. شرح اصلاحات نظامی در سایر امور

یکی از اندیشه‌های والای نظامی عباس میرزا ایده ایجاد یک ناوگان دریایی بود. ایران ابتدا از هم‌پیمان انگلیسی خود در این مورد خواستار کمک شد. مستشاران انگلیسی نیز ظاهراً در ابتدا اهمیاتی به این امر داشتند و دولت انگلیس این موضوع را در دستورالعمل کاری سرگور اوزلی و در ماده 17 آن گنجانده؛ اما انگلیسی‌ها فقط به ابراز علاقه صرف بسنده کرده و آن قدر در این زمینه تأخیر نمودند که عباس میرزا نیز از این موضوع ناامید شد، به گونه‌ای که در آخر امر «اعتقاد داشت که انگلیسی‌ها کشتی‌سازی و کشتی‌رانی را به ملل دیگر نخواهند آموخت» (براهوئی، 1387: 188). از دیگر اقدامات عباس میرزا تلاش برای تغییر در لباس نظامیان و متحدالشکل کردن آنها بود. افسران فرانسوی تشکیل قشون جدید را ابتدا با طراحی لباس متحدالشکل برای سربازان آغاز کردند. به فرمان عباس میرزا لباس پیاده‌نظام از ماهوت قرمز انگلیسی و برای توپچی‌ها از ماهوت آبی انتخاب گردید. نوار لباس سربازان پشمی و مال افسران نقره‌ای یا طلایی انتخاب شد. (نجمی، 1366: 89). البته پوشش یکسان تمام ارتش ایران را در برنگرفت

بلکه قسمت‌هایی از آن را در برمی‌گرفت. به‌طوری‌که در میان تمامی افراد نظامی ایران فقط جانبازان و سربازان دارای لباس متحدالشکل بودند (بینا، 1348: 83). در همین دوره، پوتین چرمی که برای راه رفتن در مسافت‌های طولانی مناسب بود، جایگزین کفش‌های معمولی شد. پوشش یکسان نخستین عامل در پیشرفت ارتش ایران بود. در این دوره لباس‌های بلند شرقی که با اعمال نظامی مناسبت نداشت و دست‌وپا گیر بود، از بین رفت و بجایش لباس‌های نیم‌تنه برقرار گردید که قطعاً در افزایش سرعت عمل نظامیان به هنگام مانور تأثیرگذار بود.

در پی اصلاح درجه‌ها و اصطلاحات نظامی، درجه‌های «نایب»، «سلطان» و «پاور»، به ترتیب به «ستوان»، «سروان» و «سرگرد» تغییر یافت و درجه‌های «سرهنگ» و «سرتیپ»، بازمانده از قشون سنتی، همچنان در نظام جدید مورداستفاده قرار گرفت. علاوه بر این، قسمت‌های نظامی «رسد» و «فوج» به ترتیب به «دسته» و «هنگ» تغییر کرد و اصطلاح «تیپ» بازمانده از قشون سنتی، همچنان در نظام جدید باقی ماند (علی بابائی، 1385: 54).

از دیگر اقدامات غربی‌ها در جهت نوسازی ارتش، اقدام در راستای ساخت و تحکیم قلاع نظامی به سبک مدرن و جدید بود (اقبال آشتیانی، 1355: 201؛ دنبلی، 135: 135). در این دوره برای اولین بار اقدام به ترجمه کتب نظامی و اعزام محصل به خارج از کشور شد. «به دستور ولیعهد، تألیفات نظامی گیبرت<sup>1</sup> و نظامنامه‌های مانورهای پیاده‌نظام را ترجمه کردند» (دروویل، 1365: 174). هم‌چنین در این دوره متون فرانسوی و روسی مربوط به استحکامات نظامی و فنون جنگی ترجمه شد (احمدی، 1382: 69). در همین رابطه، میرزای بزرگ نیز در جمع کردن اطلاعات و تهیه نقشه‌های نظامی و ترجمه کتاب‌های مربوطه کوشش می‌کرد (تاجبخش، 1382: 796). به نظر می‌رسد که آموزش نظام و مقدمه‌های تأسیس مدارس نظام نیز در همین دوره شکل گرفت (دروویل، 1365: 175-174). عباس میرزا با ترجمه کتاب‌های نظامی، افسران ایرانی را با ارتش‌های مدرن و نحوه جنگیدن آن‌ها و فنون نظامی جدید آشنا کرد و کم‌کم زمینه‌های تأسیس مدرسه نظام در ایران ایجاد نمود. وی اولین کسی بود که به فکر اعزام محصل از ایران به کشورهای اروپایی افتاد. در این دوره پنج‌تن از محصلین ایرانی

1- Guibert

به همراه کلنل دارسی به انگلستان فرستاده شدند (محبوبی اردکانی، 1370: 101). در میان آن‌ها «... میرزا رضا، سلطان توپخانه برای تکمیل معلومات خود در رشته توپخانه ... [و] استاد محمدعلی چخماق ساز شاگرد جبه‌خانه تبریز [برای تکمیل دانش خود در زمینه چخماق‌سازی و امور مرتبط با جبه‌خانه به انگلستان رفت]» (موسوی طبری، 1353: 92-91). به دستور عباس میرزا افرادی نیز در راستای تأسیس کارخانجات پارچه‌بافی و نساجی به اروپا اعزام شدند و بدین ترتیب چند کارخانه ماهوت‌سازی و پارچه‌بافی به وجود آمد که قادر بود لباس و پوشاک سربازان و افسران را با تولید پارچه‌های نسبتاً خوب تأمین کند (همان: 92-90).

### 7. موانع، نتایج و آثار اصلاحات نظامی در دوره عباس میرزا

در طول تاریخ جریان اصلاحات و نوسازی در جوامع سنتی با مشکلات و موانع مختلفی مواجه شده و ایران عصر قاجار نیز از این امر مستثنا نبود. عباس میرزا در طول دوره اصلاحات خود با موانع زیادی روبه‌رو بود که همواره وی را از هدف اصلی‌اش دور ساخت. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که اصلاحات عباس میرزا به کجا انجامید؟ مجموعه ساختار قدرت و گروه‌های ذی‌نفوذ در ایران آن روز چه واکنشی در قبال اصلاحات و اقدامات او از خود نشان دادند؟ به‌طور کلی مجموعه مشکلات، موانع و مخالفت‌ها با اصلاحات عباس میرزا را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: 1- مشکلات ناشی از تهیه بودجه و امکانات برای اصلاحات 2- رقابت‌های سیاسی 3- مخالفت‌های مذهبی.

اقدامات نظامی عباس میرزا بسیار هزینه‌بر و نیازمند مساعدت دربار مرکزی بود. در عمل فتح‌علی‌شاه اگرچه با برنامه‌های عباس میرزا مخالفتی نداشت، اما بودجه و امکانات را به‌سختی در اختیار شاهزاده اصلاح‌گر قرار می‌داد. در نتیجه عباس میرزا برای تأمین هزینه‌های فزاینده‌اش مجبور بود از یک‌سو هزینه‌ها و مقرری درباریان و وظیفه‌بگیران را در تبریز کاهش دهد و از سوی دیگر فشار بیشتری بر مالیات‌دهندگان در آذربایجان وارد آورد (قراگوزلو، 1386: 25). از طرفی، رقابت درون دربار در تهران مانع جدی‌تری بر سر راه اصلاحات عباس میرزا بود. شاهزادگان دیگر - به‌ویژه محمدعلی میرزا دولت‌شاه - که اصلاحات او را مترادف با قدرت یافتن و محبوبیتش می‌دیدند، فعالیت‌های زیادی در جهت مخالفت با وی و برانگیختن فتح‌علی‌شاه علیه او انجام می‌دادند (اقبال آشتیانی،

1355:212). افزون بر این، بسیاری از رؤسای طوایف و قبایل نسبت به «نظام جدید» و ایجاد ارتش جدید، بدبین بودند. ناخشنودی آنان از این نیروی جدید نیز کاملاً قابل‌درک بود، زیرا برای نخستین بار نیرویی نظامی در شرف تکوین بود که مستقل از طوایف و نیروهای نامنظم متکی به عشایر صحرائشین عمل می‌نمود. اگرچه نظام جدید برای رویارویی با امپراتوری روسیه تزاری تشکیل شده بود اما روسای قبایل این ارتش جدید را تهدیدی برای منافع خود می‌دانستند؛ زیرا ایلات و عشایر همواره با اتخاذ گرایش‌های مرکزگرایانه از طرفی و اعمال نفوذ بر دربار از طرف دیگر، قدرت حکومت مرکزی را به چالش کشیده و تضعیف می‌کردند. شکل‌گیری ارتش نوین که به نیروی عشایری وابسته نبود، می‌توانست این تهدید را خنثی کند. مخالفت منتقدان محلی با ارتش جدید، طرح‌ها و برنامه‌های اصلی عباس میرزا در حوزه نظامی را بشدت تقلیل داد تا جایی که به تدریج هر هنگ (فوج) به گروهی قبیله‌ای که رؤسای قبیله خودشان آن را فرماندهی می‌کردند، تبدیل شد. دسته سوم مخالفین اصلاحات نظامی عباس میرزا بعضی از روحانیون سنت‌گرا بودند... شماری از درباریان و برادران عباس میرزا تلاش کردند تا پای مذهب و روحانیون را در مخالفت با اقدامات عباس میرزا به میان بکشند؛ آن هنگام که عباس میرزا اصلاحات خود را آغاز نمود، محمدعلی میرزا تلاش کرد تا این اقدامات را خلاف اسلام جلوه دهد. آن‌ها عباس میرزا را مسیحی دانسته و وی را مروج آداب‌ورسوم مسیحیان می‌شمردند (الگار، 1369: 132-133).

از دیگر عواملی که سد راه اصلاحات نظامی عباس میرزا به‌شمار می‌آیند می‌توان به موانعی چون آداب‌ورسوم سنتی ایران، مخالفت سران سپاهی و لشکری قدیم، بی‌سوادی سربازان و روش‌های آموزش نظامی مختلف، مخالفت اشراف و اعیان، سطحی و مقطعی بودن آموزش‌های نظامی صاحب‌منصبان نظام اروپایی، امید بستن بیش‌ازحد عباس میرزا به غربی‌ها و ... اشاره کرد (ملکشاهی، 1388: 174-177).

نکته دیگری که در تبیین علل شکست اصلاحات نظامی عباس میرزا قابل‌بررسی است که با علل پیش‌تر گفته‌شده هم‌پوشانی دارد، نقش و ماهیت آموزش اروپاییان است؛ اما نکته‌ای مهم در این خصوص این است که اروپاییان اصلاح ارتش ایران را جدی نمی‌گرفتند و تنها برای فریب دولت ایران و در راستای اهداف استعماری خود، اقدامات محدودی در این زمینه انجام دادند و البته فقدان زیرساخت‌های لازم برای اصلاحات

بنیادین و نبود فرصت زمانی کافی برای اتمام آموزش‌های نظامی به سربازان ایران، به این دلیل که ایران در بحبوحه جنگ مجبور بود سربازان خود را که دوره آموزشی آن‌ها به اتمام نرسیده بود، به جبهه جنگ اعزام دارد، از دلایل جانبی ناکامی آموزش به سبک جدید بود. آغاز دوره دوم جنگ‌های ایران و روس درحالی‌که اصلاحات نظامی به ثمر ننشسته بود، تیر خلاصی بر اصلاحات عباس میرزا بود. با شکست‌های ایران در دور دوم جنگ با روسیه، قبل از آنکه عباس میرزا خود با مرگی زودرس چهره در نقاب خاک کشد، «نظام جدیدش» در اثر تلاش‌های گسترده مخالفین نوسازی متلاشی شده و اندکی پس از مرگ شاهزاده به دست فراموشی سپرده شد. این شکست‌ها ضمن به تعویق انداختن جریان نوسازی، باور فتحعلی‌شاه به ادامه ساختار سنتی ارتش را تقویت کرد (قراگوزلو، 1386، 30). هرچند که اصلاحات عباس میرزا در دوره خودش ناکام ماند، اما اقدامات وی راهگشای کنشگران دیگری در این زمینه بود که با اتخاذ الگوهای نوسازی عباس میرزا سعی در ادامه راه او در زمینه بنیان نهادن ارتش نوین داشتند. تلاش‌های که در دوره امیرکبیر، سپهسالار و امین‌الدوله دنبال شد و سرانجام در دوران پادشاهی رضاشاه با شکل‌گیری ارتش نوین، به ثمر نوشت.

### نتیجه‌گیری

دوران حکومت قاجار در تاریخ ایران از این حیث که دوران ورود اندیشه‌های جدید به ایران و آشنایی نخبگان ایرانی با تمدن غرب بود، حائز اهمیت است. ماهیت گام‌های نخستین در زمینه اصلاحات، نظامی، مبتنی بر شرایط سیاسی و اجتماعی دوران فتحعلی‌شاه در ارتباط با جنگ‌های ایران و روس بود. آنچه در پایان این نوشتار به ذهن متبادر می‌شود، علت غایی ناکامی جریان اصلاحات است. با توجه به فساد گسترده‌ای که در تمام زمینه‌ها و ارکان حکومت و جامعه ایران عصر قاجار اعمال می‌شد و در پیوند با استبداد از یک‌سو و سنت از سوی دیگر قرار می‌گرفت، می‌توان علل ناکامی عباس میرزا را واکاوی کرد. استبداد و سنت، در ذات خود با نوگرایی و نگرش‌های جدید مخالف است در نتیجه در مقابل آن مقاومت می‌کند. فقدان مفهوم منافع ملی که شاهان و درباریان قاجار تقریباً درکی از آن نداشتند، علت دیگر این ناکامی بود. همچنین ضعف نیروهای اجتماعی در پیوند با استبداد و فساد هیئت حاکمه در ایران به همراه ضعف شدید

دیپلماسی دولتمردان که ایران را در صفحه شطرنج بین‌المللی مات می‌کرد از دیگر علل شکست اصلاحات بود. دولتمردان ایران بی‌خبر از تحولات بین‌المللی و در جهل مرکب نسبت به موازنه قدرت در سطح جهان و منطقه، به راحتی آلت دست سیاست‌های بیگانگان قرار گرفته و در راستای تحقق منافع آن‌ها عمل می‌کردند.

## منابع

- اقبال آشتیانی، عباس، (1355) میرزا تقی خان امیرکبیر، چاپ دوم، به کوشش ایرج افشار، بی‌جا: توس.
- اجلالی، فرزاد، (173) بنیان حکومت قاجار: نظام سیاسی ایلی و دیوانسالاری مدرن، چاپ اول، تهران، نی.
- احمدی، ذبیح‌الله، (1382) تأثیر غرب در ارتش ایران در دوره فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار (علل، عوامل، پیامدها)، استاد راهنما: رضا شعبانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا، (1370) اکسیرالتواریخ، چاپ اول، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، ویسمن.
- اعتضادالدوله، عباس میرزا، (1363) تاریخ روابط ایران و ناپلئون با انضمام سیاست روس و انگلیس در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات زرین.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (1367) مرآت البلدان، تهران، دانشگاه تهران.
- اوسطی، علیرضا، (1382) ایران در سه قرن گذشته، ج اول، چاپ اول، تهران، پاکتاب.
- الگار، حامد، (1369) میرزا ملکم‌خان. ترجمه جهانگیر عظیمی، تهران، انتشارات مدرس.
- باقری کبورق، علی، (1371) جامعه و حکومت در ایران (کتاب اول: دوران قاجار)، بی‌جا: نشر بین‌الملل.
- براهوئی، عبدالقادر، (1387) عباس میرزا نایب‌السلطنه (بررسی اقدامات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی عباس میرزا)، استاد راهنما: عباس سرافرازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- بینا، علی‌اکبر، (1348)، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، ج اول، تهران، دانشگاه تهران.
- تاجبخش، احمد، (1382) تاریخ و تمدن فرهنگ ایران دوره قاجاریه، چاپ اول، شیراز، نوید شیراز.
- تکمیل همایون، ناصر، (1376) تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، شکل گرفتن نیروهای نظامی در آغاز دوره قاجاریه، ج اول، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حائری، عبدالهادی، (1367) نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار، (1365) سفر در ایران، چاپ دوم، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران، شباویز.



- دنبلی، عبدالرزاق بیگ مفتون، (1351) مآثرالسلطانیه، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، تهران، ابن‌سینا.
- دوسرسی، کنت (1362) ایران در 1839-1840 میلادی، ترجمه احسان اشراقی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ذکاء، یحیی، (1350) ارتش شاهنشاهی ایران از کورش تا پهلوی. تهران، انتشارات شورای ارتشی جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران.
- رایت، دنیس، (1368) نقش انگلیس در ایران، ترجمه فرامرز فرامرزی، تهران، فرخی.
- \_\_\_\_\_، (1357) انگلیسیان در ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، دنیا.
- زرگری نژاد، غلامحسین، (1386) عباس میرزا؛ نخستین معمار «بنای نظام جدید» در ایران معاصر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره 184، صفحه 79 تا 111.
- زیباکلام، صادق، (1379) حاکمیت قاجارها، امیرکبیر و اصلاحات، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره 50، صفحه 221 تا 223.
- سربیکس، (1350) فابویه در ایران، ترجمه محمود. کی، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره سی‌وشش، سال ششم، 22 صفحه - از 107 تا 128.
- علی‌بابائی، غلامرضا، (1385) تاریخ ارتش ایران (از 558 میلادی تا 1375 شمسی)، تهران، آشیان.
- فلاندن، اوژن، (2536) سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، چاپ سوم، ترجمه حسین نور صادقی، تهران، اشراقی.
- فیودورکوف، بارون، (1372) سفرنامه بارون فیودورکوف، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران، انتشارات فکر روز.
- قائم‌مقامی، جهانگیر، (1326) تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران از آغاز قرن یازدهم هجری تا سال 1301 هجری شمسی، تهران، شرکت مطبوعات.
- فراگزلو، ناصر، (1386) اصلاحات و تجدد در عصر قاجار، چاپ اول، بی‌جا.
- قوزانلو، جمیل، (1315) تاریخ نظامی ایران، ج دوم، تهران، شرکت مطبوعات.
- کاووسی عراقی، محمدحسن، احمدی، حسین، (1376) اسنادی از روابط ایران و فرانسه در دوره فتحعلیشاه قاجار (1250-1212 ه. ق/ 1834-1798 م)، تهران، اداره انتشار اسناد.
- کدی، نیکی، آر، (1381) ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان 1304-1175، چاپ اول، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه تهران، ققنوس.

- کرزن، جرج ناتانیل، (1373) ایران و قضیه ایران. چاپ چهارم، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- کمیته تاریخ نظامی، (بی تا) تاریخ ارتش نوین ایران، ج اول، تهران، ارتش.
- گاردان، کنت آلفردو (1362) مأموریت ژنرال گاردان در ایران، چاپ دوم، ترجمه عباس اقبال، تهران، نگاه.
- محبوبی اردکانی، حسین، (1370) تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج اول، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- مقتدر، غلامحسین، (1319-1318) تاریخ نظامی ایران، تهران، دانشکده افسری.
- ملکشاهی، هاشم، (1388) گام‌های اولیه در مدرنیته شدن ارتش ایران در دوره قاجار، استاد راهنما: دکتر مسعود مرادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- موسوی طبری، مصطفی، (1353) عباس میرزا «شرح حال و سیاست و خدمات او»، تهران، ابن‌سینا.
- منصور بخت، قباد، (1385) بحران تغییرات ادواری در راهبردهای نوسازی در ایران (آسیب‌شناسی استراتژی‌های نوسازی در ایران دوره قاجاریه، از آغاز تا عصر ناصری)، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره 51، صفحه 205 تا 201.
- نجمی، ناصر، (1366) ایران در میان طوفان، شرح زندگانی عباس میرزا، چاپ دوم، بی‌جا، معرفت.
- نفیسی، سعید، (1335) تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر (از آغاز سلطنت قاجارها تا پایان جنگ نخستین با روسیه)، ج اول، چاپ دوم، تهران، بنیاد.
- ورهرام، غلامرضا (1367) تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، معین.
- یونیر، ژان، (1373) دلاوران گمنام ایران، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، بی‌جا، زرین.